



از رساله مجسمه تراشی گریک و بودیک در کاپسا
محرره موسیو ژوزف هاکن فرا نوی طبع
پاریس ۱۹۲۶ (مترجم احمد علیخان)

هیکل تراشی یونان و بودائی

در

کاپسا (کوه دامن حالیه)

در سال ۱۹۰۰ موسیو الفرد فوشه در اثر گردش علمی منفعت بخشی در ترتیب کولکسیون آثار شمال غربی هند (۱۸۹۷ - ۱۸۹۵) در دایره مضمون (ابنیه و یادگار) (۱) چندین شایعات قابل توجه را جمع به هیکل تراشی نموده بود. موسیو فوشه در آنوقت تا قلعه علی مسجد دره خیر آمده، پدیده ازین تجسسات عتیقه شناسی یونان و بودائی را ادامه داده نتوانست.

چون افغانستان در اثر موافقت های ۱۸۸۳ حیات منزویانه محکومیت بسر می برد، احساسات کنجکاوانه اروپائیان مدتی آنطرف سرحدات آن متوقف شده بود و طوریکه موسیو فوشه در نوبه خویش موسوم به (خط سیر هونستن در افغانستان) (۲) میگوید:

- (۱) کتا بیست باسم ابنیه و یادگار که از طرف اکادمی کتبی و ادبیات شایع شده جلد هفتم - صفحه ۳۹ - ۶۴ لوحه ۵ و ۶
- (۲) مطالعات آسیائی که در موقع بیست و پنجمین سالگره مکتب فرانسه در شرق اقصی از طرف اعضا و همکاران آن شایع شده است جلد اول صفحه ۲۵۸

(طلوع اشعه حقوق بین المللی جدید و جلوس يك پاد شاه فعال و منوري لازم بود تا مملکت افغانستان که شیه خط فاصله بوده ، کم و بیش تحت نفوذ مناطق شمال غرب هند رفته بود یکدفعه مالک استقلال تامه شود و در نتیجه قبولانیدن حریت خویش از خارج دروازه های آن رو بداخل باز میگردد) زمانیکه موسیو فوشه در سال ۱۹۲۲ رئیس هیئت اعزامی حفریات فرانسه در افغانستان انتخاب گردید فی الحقیقت مزدی بود که دست اتفاقات و تقدیر درازای فراست و صبر این عالم عتیقه شناس ارزانی کرده به او موقع داد تا قسمیکه تجسسات خویش را اصولاً در مناطق شمال غرب هند (۱) تعمیل نموده بود در اراضی جدید افغانستان هم بعمل آرد . موسیو فوشه جهند بلیغ نمود تا حصص مسافرت زوار چینی را (آخر نیمه اول قرن هفت مسیحی) با حکایات و حقایق مقامات محلی تطبیق داده معلومات مسافرین اروپائی را که قبلاً یگان یگان وارد این مملکت شده بودند بران یفزاید و بدین منوال سر رشته حقایق را بدست آرد . همین بود که در طی معاینه مقدماتی خویش يك عده زیاد استوپه (یکنوع ابنیه مذهبی است که در آن عموماً اشیاء مقدسه را میگذاشتند) و معابد بودائی را نشانی کرد : در نتیجه در سراسر معبر مقدس کواادی ترکستان را به مراکز مقدسه هند مربوط میکند عبادتگاهها و ملجاء زوار و غیره را نوت و نشان نمود .

چنانچه در اثر همین معلومات مقدماتی همکاران رئیس هیئت اعزامی فرانسه سرراست پیای کار به مقامات مطلوبه که عبارت از هده شریف (هونستن هده را به اسم (هی - لو Hi-lo (۲) یاد کرده است) و بگرام کاپیسا باشد حاضر گردیدند بی مطالعات

- (۱) الفرد فوشه : یاد داشت در خصوص جغرافیای قدیم گندهارا (شرح يك فضل « هونستن ») کتاب اطلاعیه مکتب فرانسوی در شرق اقصی جلد اول صفحه ۳۲۲ - ۳۶۹ .
- (۲) این محل را قبلاً ژاک Jacquet هم تطبیق داده است : درین باب کتاب خاطره های کشفیات عتیقه شناسی افغانستان بقلم « هونی برگر » دیده شود (مجله آسیا ۱۸۳۹ صفحه ۳۸۶) هده در یاد داشت های جنرال کورت هم ذکر رفته (۱۸۲۶) چنانچه در دفتر سوم صفحه ۱۱۵ میگوید : « هده به سه گروهی جنوب جلال آباد واقع است ، خرابه های آن فوق العاده قدیم و آنجا بعضی معابد قدیمه یافت میشود که پایتخت قدیم مملکت بوده است » .

عالیشانی که موسیو فوشه (۱) نسبت به آثار عتیق کند ها را بعمل آورده است موثق ترین رهنمائی برای سائرین بشمار می آید . حفاری که موسیو آندره گودار Andregodard سال ۱۹۲۳ در حوالی قریب و تپه کلان ، هده نمود (چنان نتیجه داد که کوئی دیک موزیم صنعت یونان و بودائی منکشف شد ، هر کدام از حجره های مکشوفه حایز مجسمه بود که مغز آن گلی و روی آن از یک ورق باریک چونه کار شده بود . یکی ازین مجسمه ها بودار را در حال رفتار نشان میدهد . موسیو گودار (۲) طرح لباس این مجسمه را معاینه کرده میگوید : « اگرچه این البسه ضخیم است لیکن مانند بهترین عصر لبسه یونانی سبک و لطیف میباشد . پا های پر اعصاب این مجسمه برخلاف سائر آثار یونان و بودائی که غالباً ثقیل و بی نزاکت است به صفائی و تناسب خاصی تراش شده که تا حال نظیر آنرا ندیده ام ، در هده و معابد تاگزیرا tāxila که انجا « سرجان مارشل ، مدیر عمومی شعبه حفاریات هند کشفیات قابل ملاحظه (۳) نموده بهضی شاهکار های بدست آمده است که با وجود قیافه کلاسیک یونانی خود مفهوم مهم بودائی در آنها مضمراست و بدین لحاظ میتوان گفت که « شکل یونانی و افکار هندی بهم در آمیخته اند ، وجود این قبیل مجسمه ها تنها به مناطق شمال غرب هند و افغانستان محدودتی بلکه هیئت فن لو کوک vonlecoq و هیئت پلیو Pelliot نظیر آنرا در معابد خرابه ترکستان (۴) هم یافته اند .

حصه زیاد مواد ساختمان این مجسمه ها که از تاگزیرا (هند) هده (افغانستان) ، تومسوک Tumsuq و « کوتسکو ، Chotscho (ترکستان) کشف شده مرکب از گل رست

(۱) فوشه : صنعت یونان و بودائی کند ها را جلد اول (۱۹۰۵) جلد دوم (۱۹۱۸) — (۱۹۲۲) .

(۲) نمایش جدید کشفیات تازه حفاریات در افغانستان و چین . موزه کیمه ۱۴ مارس ۱۹۲۵ صفحه ۱۳ .

(۳) سرجون مارشل : حفاریات در تاگزیرا - الفرد فوشه : تزئینات چونه استوپه (خاطره های اداره حفاریات هند نمره ۷ کلکته (۱۹۲) .

(۴) موسیو گودار یک مجسمه را که از هده کشف نموده بایک مجسمه که فن لو کوک الهانی از مقام کوتسکو (ترکستان) کشف کرده مقایسه نموده است ،

میدۀ مرمر و چونه بوده است . سذک شیت که سا ختمان آن ورقه ورقه است هم بقسم مواد بکار رفته چنانچه در کاوش های تپه های متعدد جلگه چاریکار که تقریباً ۶۰ کیلو متری شمال کابل واقع است لواج بدست آمده است که در آن حجر منبت شده اند . ما خذ این شیت ها را که از آن ابنیه مذهبی ساخته شده و موسیو فوشه کشف کرده و عبارت از همان رشته تپه های شیتی است که کابل را از کوه دامن (۱) جدا میکند .

حینی که رئیس هیئت حفاری قریب یک استوپا خرابه تجسّسات خویش را ادامه میداد و بقایای (دی ی) را کشف نمود که سابقاً اقامتگاه بهاری نمایندگان چینیان بود که به دربار کانیسکا ، فرستاده شده بود تقریباً سه کیلو متر طرف شرق موسیو فوشه ، برج عبدالله ، رامعاینه نمود که محل (شهرشاهی) (۲) قدیم را نشان میداد .

به فاصله ۱۲ کیلو متری جنوب این (شهرشاهی) کاپیدا - قریه ، پای تاره واقع است که از آن در ۱۹۱۴ در اثر حفاری جوی ها بعضی آثار صنعتی یونان و بودائی کشف شده است که در موزه کابل موجود است چنانچه این مسئله را مدیر موزه کابل آقای غلام محی الدین خان به موسیو فوشه و موسیو ژدو بروی وین گفته بود . بهمین ملاحظه موسیو دو بروی با اجازه حکومت مستعمرات فرانسه در هند برای مدت ۴ ماه تحت اثر هیئت حفاری گذاشته شده بود تا اولین حفاریات را در آن منطقه بعمل آرد لیکن شورش منگل و سلیمان خیل ماه ژون و اکت ۱۹۲۴ اقدامات هیئت را متوقف ساخت . زمانیکه امنیت بر قرار شد از طرف موسیو فوشه ما موزشدم تا از بلخ برگشته نقشه های مطروحه و موسیو دوبری ، را عملی سازم .

همین بود که در ۱۸ دسامبر ۱۹۲۴ حفاریات را در منطقه جنوبی تپه که وسعت آن محدود به (۳۰ تا ۴۰ متر طول - ۱۰ تا ۱۵ متر عرض) بود شروع نمودم . عصر ۲۰ ماه

(۱) P.B.Lrdu انگلیس کنابی راجع به ساختمان اراضی جلگه کوه دامن ، غور بند و راه هندو کش نوشته است .

(۲) موسیو فوشه : نونه راجع به خط السیر هونسن در افغانستان مطالعات شرقی حصه اول

مذکور مجسمه مهمی مکشوف گردیده این مجسمه در سنگ شیت مثبت شده و بودا ساکیامونی را در حالی نشان میدهد که در اثر التماس شاه، پرازبخت کوزالا، Prasenajitdu Kosala که بزعم خود معجزه دو گانه (یا ما کابراتی هاریا) آب و آتش را نشان میدهد (لوحه چهارم) از یک حصه بدنش آب میریزد و از حصه دیگر آن آتش زبانه میکشد و بدن حال در فضا مانند کوهی که در عین حال مشتعل و سیل ریزان باشد میدرخشد (۱) بدن بودا تنها تراشیده نشده بلکه با او صحنه هم توأم است که در قسمت فوقانی آن نقاب حاشیه دندانه داری موجود است بالای این نقاب تصاویر متقابله، برهما، و اندارا، نقش است و اخیر الذکر بوا سطة تاج شاهی (۲) از برهما تمیز میشود. مشعله های آتش که از بالای شانه ها (۳) زبانه کشیده به حصص تحتانی نقاب متصل گردیده است خال گرد اختصاصیه (یورنا) بین ابروان بودا هویدا است. تارهای متجزی موی را که خط میانی از هم جدا کرده عموماً به برجستگی جمجمه قرار یافته (۴) .

نقاب بودا از یک تکه مجزا ساخته و نصب شده است چنانچه خطوط و صل آن مرئی است (در عکس بصورت خط سفیدی معلوم میشود) کردن بودا کلفت و سایر اندام او عضلاتی و قوی است. لباس زیرین (آن تارا و اسکا) یک رقم جامه بلندی است که کنار راست آن کمی از بدن جدا شده و اثرات رنگ سرخ هنوز هم در آن نمایان است. از اینجا معلوم میشود که تمام البسه و حصص برهنه بدن بودا از ورقه طلا پوشیده شده بود — یلان راهی (سان گاتی) کاملاً شانه هایش را پوشانیده. دست چپ در حالت جمع بودن قات یلان را

- (۱) Divyavadna تالیف کاول و نیل - کپریج ۱۸۸۶ صفحه ۱۸۳ و صفحه ۳۷۸ موسیو فوشه آنرا در جلد اول صفحه ۲۰۵ کتاب صنعت گر بنگ و بوریک گند هارا ذکر کرده است .
- (۲) فوشه : کتاب صنعت یونان و بودائی جلد ۲ صفحه ۲۰۵ .
- (۳) اشکال شعله های معجز نما در مقام منگوئی قریب کنرل آسیای مرکزی بمشاهده رسیده در باب اشکال معجزه دو گانه در گند هارا به شکل ۲۶۳ صفحه ۵۳۵ جلد اول کتاب صنعت یونان و بودائی مؤلفه موسیو فوشه رجوع شود .
- (۴) در باب طرح موی مجسمه های یونان و بودائی به صفحه ۲۸۹ جلد دوم کتاب صنعت یونان و بودائی مؤلفه فوشه رجوع شود .

محکم گرفته و دست راست حرکت اطمینان (آبهایی مود را) ظاهر میکند . چرخه (کاک را) که علامت سلطنت عالم است در کف دست بلند شده اش برجسته نقش شده است . وضعیت صوری قات های یلان واضحاً با قات های عمیق بعضی مجسمه ها تیکه قریب به نمونه یونانی باشد مثل بودا . موزه لاهور که فوشه انتشار (۱) داده و بودائی که دا کتر اسپونر ، از شهر بهلول کشف کرده است مخالفت دارد . یلان بودایی مکشوفه پای تاوه بیدنش چپیده است و قات های پر پیچ آن چنان وانمود میکند که کوفی علیحده ساخته شده و روی یلان منصوب شده باشد (۲) چنانچه تمثالی ازین ترتیبات قاتهای لباس بوجه احسن در ترسیمات تزئیناتی البسه عصر و کوتبا ، (قرن ۴ ، ۵ بعد از مسیح) بودا های موزه ، مائورا ، (۳) پیدا میشود لیکن در مائورا ، صورت جسمانی باریک ، شانه ها ، دور ، قد باریک و پاها طویل است و ازین میتوان استنباط کرد که آثار مذکور آخرین کار صنعت یونان و بودائی میباشد زیرا نژاد و ملامت کلاسیک خاص هندی را نمایش میدهند . بودایی مکشوفه پای تاوه که در حال اجرای معجزه بزرگ است کار دوره تغییرات میباشد زیرا در حالیکه صنعت یونان را یاد دهانی میکند حاوی اصولات کار عصر کوفتای ، هندی نیز میباشد . بدین لحاظ ممکن است در آخر قرن سوم یا اوائل قرن چهارم مسیحی ساخته شده باشد . در حصه تحتانی تصویر بودا بطرف راست و چپ امواج کج و پیچی که صحنه معجزه دو گانه را تکمیل می کند دو ، بوایس اتوا ، نشسته اند - مرکز قاعده صحنه که پیش برآمده از کلشش برگ و دو طرفه آن از گلپای ۵ برگ مزین شده است (۴) قسمت های انتهائی قاعده چولی داشته که در کدام پایه نصب میشد لیکن پایه مذکور بدست نیامده است . سطح صحنه به چهار قسمت منقسم است : حصه اول نسبت به ناظر عبارت از قسمت

(۱) کتاب صنعت یونان و بودائی گندها را جلد دو لوحه دوم .

(۲) قات های لباس بودا بزرگ با میان علیحده ساخته شده و بعد ازان روی یلان منصوب گردیده است .

(۳) و جل : کتاب حفريات موزه مائورا (آله آباد) ۱۹۱۰ صفحه ۴۹ لوحه ۹ در کتاب

تاریخ صنایع نفیسه هندوسیلان : صفحه (۷) شکل ۱۱۷ هم رجوع شود .

(۴) فوشه : کتاب صنعت یونان و بودائی گندها را . شکل ۹۶ .

طرف راست است که از تزئینات مثلث شکل زینت یافته و قسمت دوم طرف چپ به تزئینات مربع شکل مزین است . تزئینات حصه سوم لوزی شکل است و تزئینات حصه چهارمی دیده میشود . حمایل مروارید حصه جات مختلفه را از هم جدا کرده - در دو مربع اطراف بصورت نیم تنه : (هارتی) Harti پری اطفال که شاخی در دست دارد و (واج را پانی) Vajrapani عامل رعد را نمایش داده اند بالای این دو صحنه دو بودا تحت درخت (بودهی) که از مروارید مزین شده نشسته اند . به دو طرفه خط الرأس صحنه دو حیوانی که نصف بدنش شائین و نصف دیگرش شیر است بطرز فزونی نمایش یافته . صبح ۲۱ دسامبر بعضی اشیای دیگری هم از مقام حفاریات مذکور کشف شد از آن جمله به چند متری محلی که بودا معجزه بزرگ پیدا شده بود بعمق دو متری زمین بعد از ظهر ۲۱ دسامبر لوحه سنگی پزاره بدست آمد از چولی که در قسمت فوقانی این لوحه کشیده شده معلوم میشود بلاشک لوحه دعائیه کدام مناره استوانه شکلی بوده .

اشخاص صحنه لوحه عبارت از : دو محب Zelateur غیر روحانی (اپازاکا) سه زن و سه طفل بدور (بودیس اتوا) دیتریا ، بودای آتی مجتمع شده اند . بودیس اتوا ، علاوه بر نقاب زیورهای دنیائی از قبیل کلوبند ، حمیل ، گوشورا پوشیده است . دست راستش حرکت عدم ترس (ابهای مودرا) را نشان میدهد . از کشتان بسته دست چپش یکطرفه کوچک آب را گرفته است . دو محب غیر روحانی بطرف راست بودیس اتوا ، قرار گرفته اند فورم لباس آنها یعنی بلانی که به بدن ایشان چسبیده و شلواری که پاچه های آنرا داخل موزه کرده اند بر ما مجهول نیست : کافی است که با موسیو فوشه هم صدا شده بگوریم طوری که : نزد هندها شلوار لباس بر بر بوده نزد یونانی و رومن هم عیناً همین مفهوم را داشته است (۱) متها همین بر بر یعنی آنها تیکه سا لنامه نکاران چینی با اسم یوج Yue-tche یاد کرده اند به تحریک هیونگک نوها Hiong-nou اولاً قبائل ساکاس Sakas را که در نواحی واقع بین دیاکزارت ، Yaxartes و اکسوس متوطن بودند ، رانده بعد از عبور رود اکسوس در حوالی تقریباً ۳۰ سال قبل از میلاد در کاپدیسامسکن گزین شدند بعد از سلسله

(۱) فوشه : صنعت یونان و بودائی کند هارا . جلد ۲ صفحه ۴

خانواده سلطنتی یونانی یعنی هرما یوس Hemauios و (کجالا کوفیزس) Kujulakadphises پاهلاوا Pahlava شا هنشا هیت خود را در کاپیدا برقرار کرده بودند همین بود که رئیس قبیله مهم بر برها که فوقاً متذکر شدیم (اسم قبیله مهم ، کوشانا ، بود) پاهلا و ارا از سلطنت کشیده به تقلید سلاطین آنها قوم جدید الورد هم نامدتی صورت و هرما یوس ، (۱) را بر مسکوکات خود ضرب میزدند . چون بر برها داخل دین بودا شدند به بعضی نقشه های یونان و بودائی انبساط دادند چنانچه ملاکشا Mleccha (بر بر) قبل از همه بوضعیت محقری روی ابدیه ها قرار گرفت و اینجا به اندازه کوچک به پای بودای بلند قوی (۲) نمایش یافته است ، همین متوال هیگل تراشان آهسته آهسته ، خریداران خود را یک وضع مالوف و زیاد بر زیاد بزرگ با بودا هم صف نشان دادند . این قرابت بالآخره منجر به بعضی بی تکلیفی ها گردید چنانچه اگر نگاهی به لوحه مکشوفه افکنده شود بی قیدی به هوات معلوم میشود : نقاب و بودیس اتوا به امتیاز را آرا میکنند . یک زن که بلاشبه مادر کدومی است در همان طرفی که محب غیر روحانی ایستاده ، ایستاده است . اگر طرح و شکل لباس او البسه کلاسیک را یاد دهانی میکنند کلاه مخصوص او مدخیلی پسانها است (۳) طرف چپ ، بودیس اتوا ، زنهایی ایستاده اند که یلان بلند پوشیده و به زیورهای شیده به کردن بند و گوشواره و میتریا ، مزین هستند زیر جامی آنها بمقیده موسیو فوشه عبارت از (پارمی دانا) وسیع (پارچه مستطیل شکلی است که طوری که از زیر بافت برآمده پوشیده میشود) میباشد . این پارچه یک قسم ازار بلندی تشکیل میدهد که مالی ها Malais آزار (سارونگ) میگویند و اگر یکنوک آن را از قات را آنها گذرانیده به کمر به بندند دهی Dohi هندیها یا سامپوت Sampot و کمبوجین ها ، یعنی بکر قم دامن باشلواری میشود که شبیه به شلوارهای پاچه کشاد میگردد (۴) اگر کدام ملاحظه کنند بی اطلاع این شلوارها را به بند خیال شلوارهای کشاد

(۱) کمبریج تاریخ هند جلد اول صفحه ۵۶۱

(۲) خاطرهای ادارت حفريات هند نمره ۷ - لوحه ۱۷ .

(۳) فوشه : صنعت یونان و بودائی گندهارا جلد دو صفحه ۴۸۸

(۴) فرشته : صنعت یونان و بودائی گندهارا شکل ۲۱۹ - ۳۱۸

(پاری دانا) خانم‌های اعانه دهنده میکند ! کرچه که (پاری دانا) در کتاب موسیوفوشه چنین نمایش یافته که دهن پاچه شلوار به بچک پابسته است باز هم اگر ملاحظه کننده در جزئیات بیشتر دقت کند (پاری دانا) را از قاتلها بیکه بعرف مرکز بدن مجتمع می شود تمیز داده میتواند .

اطفال بلان بلندی پوشیده اند . لکه های رنگ آبی اینجا و آنجا روی البسه بودیس اتوا ، میترا مشاهده میشود .

بودا ، معجزه بزرگ و لوحه اعانه دهندگان ما تند اغلب اینه و آثار بودائی کا پدسا از دست گزندن های سفید که در قرن ۵ مسیحی معابد کنند ها را (۱) را ویران نموده بودند خلاص رفته است لذا احتمال دارد معابد کاپدسا در ابتدای نیمه دوم قرن هفت مسیحی ذریعه مهاجمین عرب ازین رفته باشد پس ما میتوانیم آثار مکشوفه ، پای تاوه ، خود را در صرف آخرین آثار صنعت یونان و بودائی قرار دهیم .

تاریخ ترجمه ۱۲ جدي ۱۳۱۰

(۱) فوشه : نونه راجع به خط سیر مونسین در افغانستان صفحه ۲۶۹

